



اهداف سفر هم‌زمان مقامات اسلام‌آباد و عشق‌آباد به تهران؛ از دیپلماسی برقی تا دیپلماسی گازی

سفر «اولین‌ها» به ایران

مهدی بازگان؛ دیروز سه‌شنبه شاهد ترافیک دیپلماتیک مقامات کشورهای همسایه در سفر به ایران بودیم. از سفر بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه پاکستان و دیدارش با حسین امیرعبداللهیان، همتای ایرانی‌اش تا حضور رشید مردوف، رئیس دستگاه سیاست خارجی ترکمنستان و نهایتاً سفر دوروژه سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهور این کشور (ترکمنستان) به ایران که گویا در راس هیئتی بلندپایه از مقامات سیاسی و اقتصادی کشورش به دنبال امضای چند سند همکاری و تفاهم‌نامه به این سفر کرده است؛ سفری که اولین حضور بردی محمداف در تهران از ابتدای برعهده‌گرفتن مسئولیت ریاست جمهوری ترکمنستان است.

بازگان

اسلام‌آباد و از همه مهم‌تر اقدامات چند هفته اخیر پاکستانی‌ها در محدودیت ورود کامیون‌ها و محصولات ایرانی به خاک این کشور و تشدید قوانین عبور و مرور به بهانه قوانین سخت‌گیرانه‌تر گمرکی و مسائل دیپلماتیک حوزه اخذ روادید رانندگان ایرانی برای سفر به پاکستان و مسائلی از این دست ادعای ایران دوستی دولت جدید شهباز شریف را زیر سؤال می‌برد، همچنان‌که برخلاف مواضع نگاه به شرق و اظهار علاقه عمران خان به جمهوری اسلامی شاهد تحول خاصی در هیچ حوزه‌ای از مناسبات تهران – اسلام‌آباد به‌خصوص در مسائل اقتصادی و تجاری نبودیم. از این رو شاید سفر مقامات دولت جدید اسلام‌آباد بتواند گامی، هرچند اندک و کوچک در رفع این مشکلات باشد. البته آن‌گونه که مطرح شده یکی از محورهای کلیدی سفر بلاول بوتو زرداری به تهران تلاش برای تأمین برق توسط ایران در بحبوحه بحران شدید انرژی پاکستان است. حال اینکه ایران خود با بحران تأمین برق در فصل گرما دست و پنجه نرم می‌کند تا چه اندازه می‌تواند به تأمین برق همسایه شرقی خود کمک کند، محل سؤال است. با این حال نباید اولین سفر وزیر امور خارجه دولت شهباز شریف را از زاویه دیگری نادیده گرفت. در این راستا احتمالاً این سفر با هدف موازنه‌سازی سیاسی و دیپلماتیک از جانب پاکستانی‌ها در دستور کار قرار گرفته باشد، چراکه حسین امیرعبداللهیان اخیراً در سفری سفروزه به هندوستان به دنبال تقویت مناسبات تهران – دهلی‌نو به ویژه در حوزه تجاری، بازرگانی و اقتصادی بود. به هر حال وزیر امور خارجه ایران در سفر به دهلی‌نو، حیدرآباد و بمبئی و دیدار با تجار، بازرگانان و هیئت‌های اقتصادی این کشور به دنبال گرم‌ترکردن موتور روابط تجاری دو کشور بود؛ بنابراین این امکان وجود دارد که تنها با گذشت پنج روز از سفر حسین امیرعبداللهیان به هند اکنون پاکستانی‌ها هم با هدف موازنه‌سازی سیاسی خود در برابر هندی‌ها حضور در تهران را کلید زده باشند و هم به نحوی بستر برای حفظ جایگاه گوادر باقی بماند. ضمن اینکه نباید تحولات

افغانستان و نگاه تهران – اسلام‌آباد به حکومت طالبان را هم از نظر دور داشت.

روابطی با بوی گاز

پس از سفر ۲۶ساعته ششم آذر ماه سال گذشته سیدابراهم رئیسی به ترکمنستان با هدف حضور در بانزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری اقتصادی اکو، این بار همتای جدید وی با به تهران گذاشت تا روابط تهران – عشق‌آباد در مسیر رفت‌وآمدهای دیپلماتیک به سمت تقویت همکاری‌ها پیش برود. بی‌شک محور و کانون این همکاری‌ها به سواپ گازی بازمی‌گردد که هم در سفر رئیسی و هم در حضور بردی محمداف، عملاً موضوعی کلیدی برای رایزنی‌های دو طرف محسوب می‌شود. به‌خصوص آنکه آذرماه پارسال در حاشیه سران اکو سه کشور ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان توافق کردند سالانه ۱.۵ تا دو میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان را به جمهوری آذربایجان سوآپ کنند. این قرارداد که پس از پنج سال توقف مبادلات گازی ایران و ترکمنستان امضا شد، به افزایش پایداری شبکه گاز در شمال شرق ایران منجر می‌شود و مسیر ایران را برای تبدیل‌شدن به قطب انرژی منطقه هموارتر می‌کند. در این راستا به نظر می‌رسد دولت رئیسی برنامه جدی برای استفاده هرچه جدی‌تر از سوآپ گازی ترکمنستان – آذربایجان دارد. در همین رابطه جواد اوچی، وزیر نفت در سفر ۱۱ خرداد خود به جمهوری آذربایجان برای حضور در «هفته انرژی باکو» تفاهم‌نامه همکاری دوجانبه دو طرف (تهران – باکو) برای افزایش انتقال گاز ترکمنستان از خاک ایران به مقصد آذربایجان را امضا کرد. بر اساس این تفاهم‌نامه، دو طرف توافق کردند حجم گاز انتقالی سالانه ترکمنستان به جمهوری آذربایجان از طریق خطوط ایران را دو برابر کنند. البته امکان افزایش حجم این قرارداد در آینده نیز وجود خواهد داشت. چراکه این قرارداد به‌صورت حجمی تنظیم شده است؛ بنابراین ایران به‌عنوان هزینه سوآپ در قالب (Swap Fee) به اندازه حجم انتقال گاز از ترکمنستان به جمهوری آذربایجان بخشی از گاز انتقالی را برمی‌دارد. گاز تحویلی ایران به آذربایجان ذیل سوآپ گازی سه‌جانبه تهران – عشق‌آباد – باکو در منطقه کوچک و استراتژیک نخجوان قرار دارد که ضمن ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک ایران در منطقه قفقاز جنوبی و تقابل با تلاش مشترک جمهوری آذربایجان و ترکیه برای تحمیل کریدور موهوم زنگه‌زور می‌تواند به رفع مشکل کسری گاز و افت فشار در استان‌های شمالی ایران از خراسان رضوی، شمالی و جنوبی تا گلستان و سمنان کمک شایانی کند. در نگاهی کلان‌تر و عمیق‌تر اساسا پیگیری دیپلماسی انرژی با محوریت گاز و انعقاد قراردادهای واردات، سوآپ و ترانزیت گازی با کشوری مانند ترکمنستان می‌تواند تضمین‌کننده منافع سیاسی و اقتصادی کشور در بلندمدت باشد. از جنبه راهبردی، سوآپ گازی به تقویت برنامه ترانزیتی ایران خواهد انجامید، چراکه سه کشور، افغانستان، ترکمنستان و آذربایجان در حال پیشبرد طرح ترانزیتی با عنوان «محور لاجورد» هستند؛ طرحی که با دورزدن ایران می‌تواند افغانستان را به اروپا وصل کند. از این نظر سوآپ گازی سه‌جانبه به ورود ایران در محور لاجورد ختم می‌شود. از طرف دیگر مهم‌ترین مزیت سوآپ گازی ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان علاوه بر دیده‌شدن نقش ایران در محور لاجورد به ارتقای نقش ژئواثرژیک کشور در انتقال گاز بین باکو و عشق‌آباد بازمی‌گردد. این مزیت در ارتباط با رابطه کشورهای ایران و آذربایجان که در ماه‌های گذشته دچار اختلافات سیاسی شده بودند، اهمیت بیشتری می‌یابد. خاصه آنکه طی سال‌های اخیر ترکیه با سرعت‌بخشیدن به خط لوله ۸۰کیلومتری ایغیدیر به نخجوان به طور جد خواهان حذف گاز ایران و جایگزینی آن با گاز خود است. هرچند رابطه این خط لوله با قرارداد جدید ایران هنوز با ابهام مواجه است، ولی بدون شک قرارداد سوآپ می‌تواند نفوذ ایران را در این منطقه تقویت کند تا جایی‌که عملاً حذف تهران ممکن نباشد. به هر حال علاوه بر برنامه جدی آنکارا – باکو بر ایجاد تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه قفقاز جنوبی بعد از جنگ ۴۴روزه پاییز سال ۲۰۲۰ قره‌باغ با محوریت تحمیل کریدور زنگه‌زور در تلاش‌اند در سایه تشکیل تروئیکای منطقه‌ای با همکاری گرجستان، ذیل محور باکو– آنکارا – قلیس نوعی حصر ژئوپلیتیک را برای ارمنستان رقم بزنند که در حقیقت بار و لطمه اصلی آن برای ایران خواهد بود، چراکه مسیر ترانزیتی جمهوری اسلامی به اروپا بسته خواهد شد؛ ازاین‌رو تحقق سوآپ گازی، وزن تهران را در معادلات قفقاز جنوبی تغییر خواهد داد. بنابراین پیش‌بردن قرارداد سوآپ گازی ایران با ترکمنستان و آذربایجان از شش بُعد اقتصادی، سیاسی، ترانزیتی، دیپلماتیک، ژئوپلیتیک و ژئواثرژیک برای ایران حائز اهمیت است.

ادامه از صفحه اول

همه‌ما به امید به آینده نیاز داریم

حالا کم نیستند کسانی حتی از طبقه متوسط که دیگر نمی‌دانند از کدام هزینه و خرج‌شان بزنند تا کم نیاورند. اجاره‌خانه سر به فلک می‌کشد و هر روز خبر از افزایش قیمت تازه‌ای می‌رسد. اینجا همان جاهایی است که باید درایت و همدلی مسئولان کشور را ببینیم. باید ببینیم آیا شرایط مردم را درک می‌کنند و می‌خواهند باری از دوش ملت بردارند و امیدها را زنده کنند؛ اما انگار نه انگار. ناامیدی و نداشتن چشم‌انداز روشن از آینده، شوخی نیست. در جدیدترین پژوهشی که سایت خبرآلاین به نقل از رصدخانه مهاجرت کشور منتشر کرده است، ۵۲ درصد استادان و محققان، ۴۵ درصد پزشکان و پرستاران، ۴۳ درصد فعالان استارت‌آپی و ۴۰ درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تصمیم به مهاجرت دارند. فهمش سخت نیست؛ شرایط کلی کشور و مسائل اقتصادی سال‌های اخیر، تورم و تحریم بسیاری را به ته خط رسانده است؛ به جایی که فکر کنند وطن دیگر جای ماندن نیست. حتی بچه‌مدرسه‌ای‌ها برای ادامه تحصیل در کشور همسایه کنکور می‌دهند و ایرانی‌ها رکورد خرید ملک در استانبول، از میر و ایتالیا را جابه‌جا می‌کنند. اما باز هم اراده‌ای برای تغییر این روند نمی‌بینیم و کسی قرار نیست دلخوشی و امیدى به مردم بدهد. هرکسی ترس و ناامیدی مردم را باور نمی‌کند، کافی است نگاهی به اموال به‌سرقط‌رفته در صندوق امانات بانک ملی بیندازد. همین کافی است که بفهمی مردم چطور تلاش دارند زندگی‌شان را با دندان نگه دارند. آن سکه‌ها و دلارهایی که در تصاویر منتشرشده از اموال کشف‌شده مردم دیدیم، به وحشت‌زدگی افراد از آینده نامعلومشان شهادت می‌داد. اما آنها که باید به خاطر این همه نگرانی و دغدغه مردم بی‌خواب ششوند، همچنان دغدغه‌شان چیز دیگری و جای دیگری است و می‌خواهند اوضاع را عادی و مردم را راضی و امیدوار به آینده نشان دهند؛ غافل از اینکه واقعیت چیز دیگری است. در چنین شرایطی، دولت و مدیرانی که برای آب و فروتنسست زمین و گردوخاک کاری از دستشان برنمی‌آید، حداقل می‌توانند با مردم مهربان‌تر باشند و فشارها را تشدید نکنند. در این وانفسا کمی امیددادن، کمی همدردی‌کردن و ایستادن در کنار مردم، حداقل کاری است که می‌تواند التهاب‌ها را کمتر کند.

چرا باید به ۳ روز تعطیلی در هفته اندیشید؟

پیشنهاد می‌کنم ابتدا هم‌زمان در هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی کمیته‌ای برای مطالعه این طرح تشکیل شود. در مرحله بعد پیمایش ملی برای میزان موافقت گروه‌های مختلف اجتماعی بسا این طرح برگزار شود و در ادامه، مطالعات دقیق از سوی تیمی از تخصص‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و اقتصاددانان در سطح ملی و استانی انجام شود. در مرحله آخر اجرای آزمایشی در برخی سازمان‌ها و مناطق جغرافیایی در چند مرحله شروع شود و اگر نتایج آن مثبت بود، در سطح ملی عملیاتی شود.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran